

فنون ادبی

نوع مقاله: پژوهشی

سال دوازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۲) پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۲۹-۱۴۸

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲

واضح بخارایی و تبیین نقش وی در احیای سنت تذکره‌نویسی ادبی فارسی در ماوراءالنهر^۱

ابراهیم خدایار*، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

hesam_khl@modares.ac.ir

چکیده

تذکره‌نویسی ادبی نخستین بار در زبان فارسی با *لباب‌الالباب* عوفی بخارایی در آغاز سده هفتم هجری آغاز شد. پس از جدایی سیاسی ایران و ماوراءالنهر در سده دهم، این سنت به حیات خود ادامه داد؛ اما در سده دوازدهم و بیشتر سال‌های سده سیزدهم هیچ اثر مستقلی در این نوع ادبی در این منطقه تألیف نشد. قاری رحمت‌الله واضح بخارایی، از ایرانی‌تباران بخارا (۱۲۳۳-۱۳۱۱ق)، در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م با تألیف تذکره *تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب* این ژانر ادبی را در ماوراءالنهر احیا کرد. مسئله اصلی این پژوهش معرفی انتقادی تذکره، تذکره‌نویس و طبقه‌بندی معیارهای تذکره‌نویسی در نزد وی است. نگارنده برای یافتن پاسخ به پرسش‌های نهفته در مسئله پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - انتقادی به معرفی واضح بخارایی و تذکره وی پرداخت و در ادامه با انتخاب نه شاخص، مهم‌ترین معیارهای تذکره‌نویسی مؤلف را تحلیل کرد. این جستار اطلاعات پایه‌ای دست‌اولی از زندگی و تذکره واضح در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که می‌توان از آن در تصحیح اطلاعات نادرست منابع تألیف‌شده در ایران و ماوراءالنهر بهره برد.

کلید واژه‌ها: تذکره‌نویسی ادبی فارسی، *تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب*، ماوراءالنهر، واضح بخارایی.

۱- مقدمه

صرف نظر از مرقع‌گونه مفقودشده *مناقب الشعراء* (تألیف‌شده در ربع نخست سده ششم هجری) نوشته ابوطاهر خاتونی و جنگ علمی - ادبی چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (تألیف‌شده در حدود ۵۵۰ق)، نخستین تذکره ادبی نوشته‌شده به زبان فارسی، *لباب‌الالباب* عوفی بخارایی است که در سال ۶۱۸ق تألیف شده است. دولت‌شاه سمرقندی در سال ۸۹۲ق در کتاب *تذکره الشعراء* با به‌کار بردن نام «تذکره» در عنوان کتاب به این ژانر ادبی هویت مستقلی بخشید (عوفی، ۱۳۹۵: مقدمه قزوینی، ۲۸-۳۰). پس از جدایی سیاسی ایران و ماوراءالنهر در آغازین سال‌های سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی، که با تشکیل سلسله شیانیان در منطقه به مرکزیت بخارا در سال ۹۰۵ق/ ۱۵۰۰م و صفویان در ایران به سال ۹۰۷ق/ ۱۵۰۱م همراه بود، این

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نگارنده با نام «هفتصد سال تذکره‌نویسی در آسیای مرکزی (پژوهشی تاریخی - تحلیلی درباره ژانر تذکره‌نویسی ادبی فارسی در آسیای مرکزی از ابتدای سده سیزدهم تا آغاز سده بیستم میلادی)» است که به سفارش صندوق حمایت از پژوهشگران و فن‌وران کشور در حال اجراست.

* مسؤل مکاتبات

ژانر در سده‌های دهم و یازدهم هجری / شانزدهم میلادی با تألیف پنج تذکره با نام‌های *مذکر/احباب* (تألیف‌شده در ۹۷۴ق/ ۱۵۶۶م) از خواجه حسن نثاری بخارایی (۹۲۲-۱۰۰۶ق/ ۱۵۱۶-۱۵۹۷م)، *مجمع‌الفضلاء* (۹۹۶-۱۰۰۰ق/ ۱۵۸۸-۱۵۹۲م) از خواجه محمدعارف بقایی بخارایی (زنده تا ۱۹ ذی‌القعدة ۱۰۱۹ق/ ۲ فوریه ۱۶۱۱م)، *تذکره‌الشعرا* (تألیف‌شده در ۱۰۱۳ق/ ۱۶۰۴م) و *نسخه زیبای جهانگیر* (تاریخ اتمام تألیف ۱۰۳۵ق/ ۱۶۲۵ق) هر دو از مطربی سمرقندی (۹۶۶-۱۰۴۰ق/ ۱۵۵۸ یا ۱۵۵۹-۱۶۳۰ یا ۱۶۳۱م) و *مذکرالاصحاب* (۱۰۹۳-۱۱۰۴ق/ ۱۶۸۲-۱۶۹۲م) از محمدبدیع ملیحا سمرقندی (زنده در ۱۱۰۴ق/ ۱۶۹۲ یا ۱۶۹۳م) به حیات خود در جغرافیای ماوراءالنهر ادامه داد. منطقه یادشده تقریباً در تمام سده دوازدهم و نزدیک به ۸۸ سال از سده سیزدهم هجری با آشوب و بی‌سامانی سیاسی و اقتصادی همراه بود. درگیری‌های دائمی میان خان‌نشین‌های منطقه از یک‌سو و جدال با ایران در مرزهای خراسان از سوی دیگر، ماوراءالنهر را در ناآرامی فرو برد و مانع از شکوفایی فرهنگی و ادبی آن شده بود. ۱۷۹ سال هیچ تذکره ادبی مستقل فارسی در ماوراءالنهر تألیف نشد تا اینکه در ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م قاری رحمت‌الله واضح بخارایی با تألیف *تذکره تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب* این ژانر ادبی را پس از یک دوره فترت طولانی احیا کرد.^۱

۱-۱ بیان مسئله

قاری رحمت‌الله بخارایی فرزند محمدعاشور متخلص به واضح، شاعر، نویسنده و تذکره‌نویس ایرانی تبار بخارایی (۱۲۳۳- ۱۳۱۱ق/ ۱۸۱۸-۱۸۹۴/۱۸۹۳م)^۲ است. مسئله این پژوهش تبیین نقش واضح بخارایی و تذکره وی در احیای سنت تذکره‌نویسی ادبی فارسی در محیط ادبی بخارا در نیمه دوم سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی است. نگارنده در این جستار به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است: واضح بخارایی کیست و *تذکره تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب* (۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م) وی چه ویژگی‌هایی دارد؟ اهمیت آن در تاریخ تذکره‌نویسی فارسی در ماوراءالنهر چیست و چه تأثیری بر روند تذکره‌نویسی فارسی در بعد از خود در این منطقه به جا گذاشته است؟ فرض نویسنده بر این است که درگیری‌های داخلی درازدامن در ماوراءالنهر سه خان‌نشین خوقند، خوارزم و بخارا را به شدت تضعیف کرده بود. ارتش تزار با اطلاع از این نابه‌سامانی‌ها با هدف اشغال منطقه و به دنبال آن، دسترسی به آب‌های آزاد از طریق افغانستان و شبه‌قاره، با ارتشی مجهز به حوزة خان‌نشین خوقند یورش آورد و شهرها و نواحی آن را یکی پس از دیگری فتح کرد. روس‌ها سرانجام در سال ۱۲۸۵ق/ ۱۸۶۸ با فتح بخش‌های بزرگی از امارت بخارا، از جمله سمرقند، معاهده صلحی را با امیر نصرالله (حک. ۱۲۴۲- ۱۲۷۷ق/ ۱۸۲۷-۱۸۸۶م) منعقد کردند و این امارت را تحت‌الحمایه خود درآوردند. این اتفاق در سال‌های ۱۸۷۳م و ۱۸۷۶م به ترتیب برای خوارزم و خوقند نیز رخ داد. خوارزم همچون بخارا تحت‌الحمایگی را پذیرفت و خوقند به کلی از بین رفت و مناطق آن به همراه بخش‌های اشغال‌شده امارت بخارا به فرمانداری نظامی تازه‌تأسیس ترکستان روس ملحق شد (باسورث، ۱۳۸۱: ۵۵۸-۵۵۹، ۵۵۵-۵۵۷). با از دست رفتن استقلال امارت‌های بخارا و خوارزم و اضمحلال خوقند، آرامش نسبی در منطقه حکمفرما شد. امیران جدید آهسته‌آهسته برای جبران شکست‌های نظامی رودرو با دشمن با آراستن دربار خود با شاعران مداح به سمت برآوردن امیال درونی خود حرکت کردند. آنها اگر اجازه نداشتند با دنیای خارج ارتباط برقرار کنند، با پناه‌بردن به دامان شعر تلاش کردند خود را قوی شوکت نشان دهند. در بیرون از دربار نیز محافل روشنفکری با الگوگیری از دنیای غرب از دریچه روسیه و به رهبری احمد دانش بخارایی (۱۸۹۷-۱۸۲۷م) فعالیت خود را آغاز و پیروانی، هرچند اندک، پیدا کردند. تقابل این دو جریان به رشد فرهنگ و ادب، و جان‌گرفتن دوباره شعر و ادبیات انجامید. واضح درست سه سال پس از شکست امارت بخارا از روسیه، *تذکره خود را نه با حمایت دربار که با تلاش شخصی خود تألیف کرد* (۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م). امیر مظفر (حک. ۱۲۷۷-۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶-۱۹۱۰م) جز در دوره کوتاهی از ولیعهدی خود در کریمینه، هیچ‌گاه به دلیل «تبار ایرانی و مذهب واضح» از وی حمایت نکرد (Ходизода, 1968: 191). دیدگاه‌های اجتماعی وی و طرفداری از جریان انتقادی امارت بخارا به رهبری احمد دانش را نیز باید به این موضوع افزود. *تذکره تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب*

پس از دوره نسبتاً طولانی فترت تذکره‌نویسی به دلیل ویژگی‌های اصالت در منابع مکتوب و شفاهی، جامعیت نسبی، شهرت نویسنده و به‌کارگیری معیارهای تذکره‌نویسی در گزینش و انتخاب شاعران و نمونه شعرها به‌سرعت در منطقه شهرت پیدا کرد و به فاصله کوتاهی از تألیف، سرمشق پنج تذکره‌نویس بخارایی در پایان سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم در محیط ادبی بخارا شد. تمام تذکره‌های تألیف‌شده در محیط ادبی بخارا را در این دوره می‌توان به نوعی ادامه یا تکمیل‌کننده اثر واضح بخارایی دانست.

۲-۱ پیشینه پژوهش و نقد منابع

صرف نظر از زندگی‌نامه خودنوشت کوتاه تذکره‌نویس و نمونه شعر وی در تذکره *تحفة الاحباب* (۱۹۷۵: ۱۹۳-۲۰۶)، نخستین آگاهی‌های ما از واضح در تذکره شرعی، *تذکره الشعرا* (تألیف‌شده پس از ۱۳۰۰ق/۱۸۸۴م)، تذکره‌نویس هم‌تبار و معاصر وی، با وسواس به‌نسبت دقیق از سیر حوادث زندگی و فهرست آثار این شاعر و نویسنده ثبت شده است (۲۰۱۵: ۶۸-۷۷). از آن زمان تاکنون، اسناد علمی درخور توجهی عمدتاً با استناد مستقیم یا غیرمستقیم به دو اثر یادشده در زبان‌های فارسی، فارسی تاجیکی و به‌ندرت روسی و انگلیسی تولید شده است که می‌توان آنها را در سه گروه توصیف و تحلیل کرد:

۱-۲-۱. **میراث تذکره‌نویسان محیط ادبی بخارا (۱۸۸۴-۱۹۱۴م):** آن‌گونه که گفتیم این تذکره‌ها با شرعی بخارایی شروع شده و سرانجام به سلیمی بخارایی ختم می‌شود. شرعی بخارایی (ف ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م) نخستین‌بار در تذکره خود به زندگی و میراث ادبی واضح پرداخته و اطلاعات نسبتاً دقیق و منصفانه از زندگی وی را به همراه فهرستی دقیق‌تر از آثار واضح در اختیار مخاطب گذاشته است (۲۰۱۵: ۶۸-۷۷). این اطلاعات را می‌توان به دلیل هم‌عصری نویسنده با واضح ارزشمند و موثق دانست. در تذکره *عبدی*، تألیف‌شده در ۱۳۲۲/۱۳۲۱ق ۱۹۰۴م (۱۹۸۳: ۲۶۹-۲۸۰)، *تذکره افضل*، تألیف‌شده در ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م (۱۳۳۶: ۱۴۷-۱۴۸)، تذکره‌های حشمت (نسخه خطی شماره ۶۱ تاشکند، ورق ۹۸ب، تاریخ شروع تألیف ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴-۱۸۹۵م و تکمیل آن در سال‌های بعد؛ نسخه خطی شماره ۲۷۲۹ تاشکند، ورق ۹۷ب، شروع تألیف ۱۳۲۳/۱۹۰۵ و تکمیل آن در سال‌های بعد)، *تذکار اشعار صدر ضیا*، تألیف‌شده در ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶/۱۹۰۷م (۱۳۸۰: ۲۲۴-۲۳۵) و *تذکره محترم*، تألیف‌شده در ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م (۱۹۷۵: ۳۴۸-۳۴۹) اطلاعات گاه مبهم، غرض‌آلود و ناقص هم درباره واضح دیده می‌شود. *تحفة الاحباب فی تذکره الاصحاح* نخستین‌بار در ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م از روی تحریر مختصر به اهتمام میرزا سلیم‌بیک، حاکم وقت شهرسبز با تاریخ کثیره و مجموعه سلیمی در تاشکند با تغییرات و تحریقاتی در متن و نیز تکمله‌ای که عبدالمنان حاجی‌بن عبدالوهاب به دستور حاکم یادشده به ذیل آن اضافه کرده بود (۲۹۳-۴۳۲)، به چاپ رسید.

۲-۲-۱. مکتب ادبیات‌شناسی دوره شوروی در تاجیکستان و ازبکستان، ۱۹۲۴ به بعد

نخستین اثر این دوره را باید فهرست دست‌نویس‌های بخش تاریخ کتابخانه مرکزی بخارا^۳ معروف به بخارا اثر ا. سمینوف (A. Semënov) در سال ۱۹۲۵م دانست. در این فهرست گزارش بسیار کوتاهی از تذکره واضح، نویسنده آن و چاپ سنگی اثر در تاشکند به اهتمام سلیم‌بیک آمده است (۱۹۲۵: ۳۸). این گزارش بعدتر مأخذ شماری از پژوهشگران از جمله استوری (Storey) در *ادبیات فارسی* (۱۹۵۳: ۹۱۵-۹۱۶) و نقوی در *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان* (۱۳۴۷: ۷۲۸) واقع شد. عینی در *نمونه ادبیات تاجیک*، تألیف‌شده در ۱۹۲۵م، چاپ‌شده در سال ۱۹۲۶م، نخستین‌بار دیدگاه‌های خارج از سنت تذکره‌نویسی صرف را، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و اطلاعات نادرست، درباره واضح ثبت کرد و فهرست آثار وی را با استناد به تذکره شرعی درج کرد (۱۹۲۶: ۴۹۷-۵۰۷). این اطلاعات را باید نخستین آگاهی در دانش ادبیات‌شناسی پس از اضمحلال دوره خان‌نشینی و تشکیل جمهوری‌های پنج‌گانه در ماوراءالنهر دانست. *تذکره واضح* مهم‌ترین مأخذ عینی در تألیف بخش دوم *نمونه ادبیات تاجیک* بوده است؛ به‌گونه‌ای که نویسنده ذیل زندگی و شرح حال ۶۲ شاعر این بخش ۶۷ بار به *تحفة الاحباب* ارجاع داده است (۱۹۲۶: ۱۹۷-۵۱۵ و هادی‌زاده (P. Ходизода) در ۱۹۵۶م درباره زندگی و آثار واضح در

کتاب خود موسوم به سرچشمه‌های تحقیق ادبیات تاجیکی در نیمه دوم سده نوزدهم^۴ زیر نظر ای. براگینسکی به زبان روسی و در بستر ایدئولوژی مکتب شوروی توجه نشان داده است. کتاب یادشده در ۱۹۶۸م با نام ادبیات تاجیک در نیمه دوم عصر نوزده^۵ به تاجیکی و خط سیریلیک چاپ شد. صفحات ۲۲-۳۲ این کتاب به معرفی و تحلیل تذکره واضح و صفحات ۱۸۵-۲۴۲ به زندگی و دیگر آثار وی اختصاص دارد. ت. نعمت‌زاده (Т. Неъматзода) در سال ۱۹۶۷م در تک‌نگاری خود با نام واضح^۶ (دوشنبه، عرفان، ۲۲۶ص) اطلاعات پیشین را تکمیل کرد و درباره دیگر آثار علمی و ادبی واضح و روزگار و زمانه وی دیدگاه‌های انتقادی خود را در همان بستر ارائه کرد. صفحات ۶۶-۸۲ این کتاب به تذکره واضح مربوط است. اثر هادی‌زاده و نعمت‌زاده نقش مستقیمی در شناساندن واضح در تاریخ ادبیات تاجیکستان و ازبکستان داشته‌اند. این دو اثر به‌رغم دارابودن اهمیت علمی، به واسطه نوشته‌شدن به خط سیریلیک در ایران کمتر شناخته شده است. پژوهشگران ازبکستان نیز از همین منابع برای تألیف تاریخ ادبیات ازبکی^۷ بهره برده‌اند (Исхоқуф, Ё. Ва бош. 1978: 4/ 18-20).

اصغر جانفدا در ۱۹۷۷م زیر نظر عبدالغنی میرزایف تذکره واضح را با استفاده از سه نسخه موجود در گنجینه دست‌نویس‌های شرقی فرهنگستان علوم جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان به شماره‌های ۱۲۳۷، ۸۳، ۵۸۷ و دو نسخه موجود در گنجینه دست‌نویس‌های انستیتوی شرق‌شناسی لنینگراد روسیه به شماره‌های ۴۹-С و ۱۹۱۴-С به خط فارسی در یک مقدمه (الف - ص)، متن انتقادی (۱-۲۱۴) و فهرست راهنما (۲۱۴-۲۲۶) آماده چاپ کرد. از آنجاکه مصحح از ده نسخه دیگر موجود از این تذکره که در گنجینه دست‌نویس‌های شرقی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان به شماره‌های ۱۸۵۷، ۲۳۳۶/۱، ۵۹/۳، ۴۳۸۵، ۶۰، ۱۴۷۰، ۸۵۴/۱، ۳۷۱۹، ۸۵۲/۱، ۲۳۰۴ نتوانست استفاده کند، و از طرف دیگر غلط‌خوانی‌هایی نیز در متن تذکره و اشعار دیده می‌شود، چاپ انتقادی جدید از این تذکره با تعلیقات کامل ضروری به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه آنکه وی از نسخه ۱۸۵۷ تاشکند- که در تاریخ ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م، یعنی در زمان زندگی تذکره‌نویس و از روی مسوده خود مؤلف کتابت شده- در این تصحیح استفاده نکرده است. تمام منابع تحقیقی تألیف‌شده از جمله مدخل دانشنامه‌های ادبی تاجیکستان در دهه‌های اخیر با تکیه بر سه اثر هادی‌زاده (۱۹۶۸)، نعمت‌زاده (۱۹۶۷) و تصحیح انتقادی جانفدا تألیف شده‌اند (Неъматзода, 1988: 1/ 328-329; 2004: 3/ 288; ۱۳۸۵: ۱۴/ ۷۲۴).

۳-۲-۱. منابع فارسی (در ایران و افغانستان)

آگاهی‌های ما درباره واضح و تذکره وی در ایران و به خط فارسی بسیار اندک و غالباً برگردان ناقص و گاه نادرست منابع تذکره‌ای، منابع دوره شوروی و مدخل دانشنامه‌های تألیف‌شده در تاجیکستان در دوره متأخر است. عبدالرسول خیام‌پور با استفاده از نسخه چاپ سنگی تذکره واضح که از روی تحریر مختصر این کتاب در ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۴م در تاشکند ازبکستان منتشر شده بود، علاوه بر نویسنده تذکره (۱۳۳۲: ۲/ ۹۶۹)، صدویست‌وپنج (۱۲۵) شاعر از صدوچهل‌وهشت (۱۴۸) شاعر مندرج در تحریر کامل تذکره را در فرهنگ سخنوران به روش خود و تنها با ارجاع به این کتاب معرفی کرد (۱۳۶۸: جلد یکم از صفحات ۱۰۰ تا ۴۵۱ و جلد دوم از ۵۳۲ تا ۱۰۱۶). اگر چاپ نخست فرهنگ سخنوران در سال ۱۳۴۰ را در نظر بگیریم، باید این کتاب را نخستین منبع در ایران درباره واضح بخارایی بدانیم که تمام اطلاعات آن درباره واضح در این عبارت کوتاه با دو اشتباه در ضبط نام و نام پدر تذکره‌نویس خلاصه شده است: «واضح بخارایی: محمد رحمت‌الله ابن عاشور، مؤلف تذکره قاری (۱۳۱۱)» (همان، ۲/ ۹۶۹). نقوی در تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان بدون در اختیار داشتن تذکره واضح و تنها به‌واسطه فهرست بخارای سمیونوف در چند سطر حرف‌های وی را تکرار کرده است (۱۳۴۷: ۷۲۸). عبدالغنی میرزایف در سال ۱۳۴۵ در مقاله خود با نام «منابع ادبی در حدود دوره‌های شانزده و اوایل بیست و اهمیت آن» (۵۵۵-۵۶۱) آگاهی‌های به‌نسبت بیشتری در زبان فارسی درباره واضح چاپ کرد (۵۵۸). گلچین معانی در ۱۳۴۷ش/ ۱۹۶۸م با استفاده از نمونه ادبیات تاجیک عینی (۱۹۲۶: ۴۹۷-۵۰۷) و مقاله شاه عبدالله بدخشی، مندرج در مجله کابل (سال نهم، شماره یازدهم [۱۳۱۹]) با نام «ادبیات فارسی» این تذکره و نویسنده آن را بدون در دست داشتن اصل تذکره، توصیف کرده است.

گلچین معانی نخست تذکره و نویسنده آن را اجمالاً معرفی کرده که دست‌کم چهار اشتباه در آن رخ داده است: «تذکره شعرای فارسی زبان بخارا و افغانستان... از قرن هشتم هجری تا زمان تألیف مشتمل بر یک‌صدوسی شاعر... عینی در نمونه ادبیات تاجیک... چهل و سه مورد از آن استفاده کرده است» (۱۳۳۳: ۱/۱۵۳). وی در ادامه غالب اطلاعات عینی و بدخشی را نقل قول مستقیم کرده است (همان، ۱/۱۵۴-۱۵۵). در پایان معرفی نیز کتابی با نام *مالک‌الملک* با استناد به سمینوف به وی منسوب کرده که در دیگر منابع تکرار نشده است (همان، ۱/۱۵۵). اطلاعات عبدالرزاق زهیر در درباره واضح در مقاله «تذکره‌نگاری در ادب دری» هم بسیار کوتاه (دو سطر) و از روی فهرست نسخه‌های خطی ازبکستان (ج ۱: صص ۳۳۲-۳۳۷) و تاجیکستان (ج ۲: ۲۷) نوشته شده که تاریخ تألیف تذکره را به غلط ۱۲۴۹ شمسی [معادل‌شده نادرست ۱۲۸۸ق / ۱۸۷۱م، درست آن ۱۲۵۰ش] ثبت کرده است (۱۳۵۲: ۸۴). درباره *تذکره واضح* در مدخل‌های دانشنامه‌ای ایران نخستین بار اطلاعات کوتاهی (حدود یک سطر) ذیل «تذکره‌نویسی فارسی» در *دانشنامه جهان اسلام* آمده است. در این نوشته، به اشتباه *تذکره واضح* ذیل تذکره‌های تألیف‌شده در افغانستان معرفی شده است (منفرد، ۱۳۸۰: ۶/۷۷۳). در مدخل‌های «*تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب*»، «تذکره‌نویسی فارسی در آسیای مرکزی» و «واضح بخارایی» در *دانشنامه ادب فارسی* اطلاعات کامل‌تر شده است؛ اما خطاها و تناقض‌های آشکاری درباره تبار نویسنده و آثار وی، سال تألیف، تعداد شاعران و جغرافیای زیست شاعران تذکره در سه مدخل این دانشنامه دیده می‌شود (انوشه، ۱۳۸۰: ۱/۲۷۷-۲۷۸؛ کوتی، ۱۳۸۰: ۱/۲۸۸؛ آتشین، ۱۳۸۰: ۱/۹۵۷-۹۵۸). در این مدخل‌ها درباره تبار ایرانی این شاعر هیچ سخنی به میان نیامده است؛ در دو مدخل سال تألیف به غلط ۱۲۸۲ق / ۱۸۶۵م دانسته شده است؛ کوتی علاوه‌بر درج اشتباه سال تألیف تذکره، آن را ذیل تذکره‌های عمومی طبقه‌بندی کرده است؛ کوتی و انوشه شمار شاعران تذکره را ۱۴۸ تن و آتشین ۱۳۰ تن نوشته‌اند؛ جغرافیای شاعران مدخل «*تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب*» در مورد افغانستان (۲ تن) و ترکیه (۱ تن) نادرست است و سرانجام انتساب کتاب *مالک‌الملک* به واضح در مدخل «واضح بخارایی» تحت تأثیر گلچین معانی وجهی ندارد. اطلاعات مدخل «تذکره‌نویسی در ماوراءالنهر» در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* درباره تبار نویسنده، شمار شاعران (۹۱۴۵) و زبان تذکره (مصنوع و پرتکلف) نادرست است (دادبه و ملااحمد، ۱۳۸۵: ۱۴/۷۲۴).

اطلاعات مدخل «واضح بخارایی» در *دانشنامه زبان و ادبیات فارسی ازبکستان (قرن بیستم تاکنون)* برگردان مدخل «واضح» نوشته تورسون نعمت‌زاده در *انسایکلوپیدیای (دانشنامه) ادبیات و صنعت (هنر) تاجیکستان* (1988: 1/ 328-329) است و تقریباً به تذکره وی نپرداخته است. این مدخل فاقد اشتباهات مدخل‌نویسان دانشنامه‌های ایران درباره واضح است (وفایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۸۸-۵۹۰).

فتوحی واپسین پژوهشگر ایرانی است که درباره واضح توجه نشان داده است. وی در بخش «کتاب‌شناسی تذکره‌های چاپی» (۱۳۸۷: ۲۸۷ به بعد)، ذیل «تذکره‌های محلی و تاریخ ادبی بیرون از مرزهای سیاسی» (همان، ۳۲۸) به صورت بسیار مختصر و در حد چند سطر، اطلاعات گلچین معانی را درج کرده است. همان‌گونه که دیده می‌شود انجام پژوهشی مستقل انتقادی در معرفی احیاگر سنت تذکره‌نویسی در ماوراءالنهر ضروری است. آنچه در ادامه خواهد آمد با نگاه انتقادی به همه منابع پیش‌گفته تألیف و تلاش شده است اطلاعات به نسبت جامعی را از نگاه پژوهشگر ایرانی در اختیار مخاطبان قرار خواهد و از این نظر کاملاً نوآورانه است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱. درباره تذکره‌نویس

قاری رحمت‌الله بخارایی فرزند محمدعاشور متخلص به واضح، شاعر، نویسنده و تذکره‌نویس ایرانی تبار بخارایی است. اجداد وی گویا از گروه مهاجران اجباری مرو در زمان امیرشاه‌میراده منغیتی (حک. ۱۱۹۹-۱۲۱۵ق / ۱۷۸۵-۱۸۰۰م) بودند

(31: 1967, Нельматзода) که در آغازین سال‌های سده سیزدهم (۱۲۰۰ق/۱۷۸۵م) پس از ویرانی مرو، به سمرقند و بخارا کوچانده شدند (عینی، ۱۹۲۳: ۱۳؛ پوشاسب گوشه، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۷؛ خدایار، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۷). واضح در بخارا زاده و در آغاز دوران تحصیل از نعمت پدر و سایر وابستگان محروم شد (واضح، ۱۹۷۷: ۱۹۴)؛ اما توانست در ۱۲۶۱ق/۱۸۴۴م، درست در بیست و هفت سالگی، تحصیلات آن روز مدارس بخارا را به اتمام برساند (صدرضیا، ۱۳۸۰، ۲۳۲). وی حافظ قرآن بود. افزودن شدن «قاری» به نام وی نشان از همین ویژگی است. واضح حافظه بسیار قوی داشت. بنابه گفته خودش سی هزار حدیث نبوی را با اسناد آن در حافظه داشت (همان، ۲۳۲؛ خدایار، ۱۳۸۴: الف: ۲۰). افضل حفظ کامل تفسیر قاضی بیضاوی (ف ۶۸۵-۷۱۹ق؟) و تفسیر کبیر امام فخر رازی (۵۴۳-۶۰۶ق) را نیز به وی نسبت داده است (افضل، ۱۳۲۶: ۱۴۷، عینی، ۱۹۲۶: ۵۰۵). داملا محمدی خجندی، قاضی ملاسعدی ماهر بخارایی (ف ۱۲۸۷ق)، ملا میر زین الدین، ملا میر عنایت الله مخدوم از استادان وی بودند (واضح، ۱۹۷۷: ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۴-۱۶۵). قاری در همین سال‌ها در کنار علوم اسلامی نظیر صرف، نحو، تفسیر، حدیث، منطق و فقه، در پزشکی، ریاضیات و علوم غریبه نیز مهارت لازم را کسب کرد؛ به‌ویژه طبابت را نزد داملا عبدالرازق سوداگر بخارایی متخلص به منیر به‌خوبی آموخت و در بخارا به آن اشتغال ورزید و بارها برای علاقه‌مندان تدریس و کتابی نیز در این زمینه تصنیف کرد. در دوره ولیعهدی شاهزاده مظفر و بنابه دعوت وی مدتی کوتاه (۱۸۵۳-۱۸۵۶م) به گرمینه رفت و ملازم وی شد؛ اما به گفته خودش به‌زودی از دربار ولیعهد رانده شد (صص ۱۹۴-۱۹۶). هنگام جلوس امیرزاده به تخت امارت بخارا (۱۸۶۰-۱۸۸۵م) نیز راهی به دربار نیافت و تا پایان عمر در عسرت و تنگدستی زیست. وی در این سال‌ها فرصت یافت خارج از غوغای دربار به تألیف و تدریس بپردازد. تذکره تحفة الاحباب فی تذکره‌الاصحاب محصول همین سال‌هاست. گویا مخارج وی را در این روزگار سخت، گروهی از ایرانیان بخارا تقبل کرده بودند تا وی به کارهای علمی بپردازد. افضل در این‌باره نوشته است:

فصل مهیمن متعال از راه چاره‌سازی، جماعه‌ای از تبعه ایران را به مهم‌پردازی او گماشته و تنی چند مشفق و مهربان را بر آن داشته در همه سال و جمیع احوال متصدی و متکفل معاش و مایحتاج او بوده، مشارالیه به فراغ بال و دل آسوده کسب کمال می‌نمود (۱۳۳۶: ۱۴۷).

در نخستین سال امارت امیر عبدالاحدخان (حک. ۱۸۸۶-۱۹۱۰م) راهی سفر حج شد و در ۱۸۸۷م پس از زیارت کربلا و نجف از راه کرمانشاه به ایران وارد شد و سپس از راه تهران و مشهد به بخارا بازگشت. تفصیل این سفر پرماجرا را می‌توان در سوانح‌المسالک و فراسخ‌الممالک (تألیف‌شده در ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م، چاپ ۱۹۸۸ دوشنبه) خواند. پس از بازگشت به بخارا گویا با مساعدت امیر جدید برای نخستین بار در ۶۸ سالگی ازدواج کرد؛ ولی همچنان مقرب دربار نشد و به‌رغم نیازمندی، علاقه‌ای به این کار نیز از خود نشان نداد و به گفته عینی «در کمال احتیاج با استغنا تمام از دنیا رفت» (۱۹۲۶: ۵۰۶). گویا دلیل اصلی این موضوع، مذهب تشیع و تبار ایرانی وی بوده است که متعصبان دربار را واداشته بود تا علیه شاعر نزد امیر دسیسه‌چینی کنند. روحیات روشنفکرانه نیز وی را از در یوزگی در دربار امیر منع می‌کرد. برخی تذکره‌های درباری اوایل سده بیستم به این موضوع واکنش نشان داده و شاعر را مقصر اصلی این ماجرا معرفی کرده‌اند: «به اعتبار تعصب بی‌مورد و تعرض بی‌محل، خود را هدف اعتراض خلق ساخته» (محترم، ۱۹۷۵: ۳۴۸)؛ اما تذکره‌های بیرون از دربار اقبال و بخت نامساعد، تعصبات نابه‌جای دربار و ملازمان امیر را نسبت به قومیت و مذهب وی در این‌باره دخیل دانسته‌اند: «بنابر نسبتش به قوم ایرانی با همه‌دانی عنوانش نمی‌دهند و رواجش نمی‌خواهند... خصوصاً اثنا عشرمنش و امامیتش را جهت جرح نقص قطعی می‌پندارند» (شرعی، ۲۰۱۵: ۶۹). مخاطب در قصیده ۶۰ بیتی «تعدادالفضایل»- که شاعر آن را در اواخر عمر سروده بود- در قالب گفتگوی شاعر با محبوبی گریزپا که وی را به دلیل ایرانی بودن از خود می‌راند، به تفصیل با پیچ‌وخم زندگی شخصی و این نوع تعصبات و تقابلهای مذهبی در محیط بخارا آشنا می‌شود (صدر ضیا، ۱۳۸۰: ۲۳۱-۲۳۵، خدایار، ۱۳۸۴: الف: ۱۸-۲۲). قاری به سه زبان فارسی، ترکی (ازبکی) و عربی تسلط داشت و به هر سه زبان شعر گفته است. شهرت اصلی وی در تذکره‌نویسی است؛ اما آثار

دیگرش نیز در جای خود اهمیت بسیاری دارد. علاوه بر سفرنامه پیش گفته، کتاب *کان لذت و خوان نعمت* وی در دو جلد دانشنامه‌ای ارزشمند در ثبت و ضبط خوردنی‌ها و چاشنی‌های آن روز بخاراست. *عقاید النساء، تحفه امانیه* در طب، ترجمه ترکی رساله *تحفه حاتمی* در اسطرلاب از شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ق)، ترجمه فارسی *برء الساعه* (درمان فوری) از محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۰۴ق) در طب، *شفاقیق الدقائق* در توصیف علم و اهل آن، *عرایس الابدکار و نوادر الافکار* (مجموعه نظم و نثر به فارسی و عربی) و دیگر آثار متفرقه را به وی نسبت داده‌اند که هیچ‌یک به دست ما نرسیده است (شرعی، ۲۰۱۵: ۷۳-۷۴؛ عینی، ۱۹۲۶: ۵۰۶؛ ۱۹۲۶: ۶۶-۱۷۹؛ *Неъматзода, 1967: 66-179*؛ *Ходизода, 1968: 193-196*؛ *بچکا, ۱۳۷۲: ۶۶*). برخی از تذکره‌نویسان معاصر شاعر، دیوان مستقلی به وی به سه زبان نسبت داده‌اند که ما امروزه جز اشعار پراکنده در تذکره‌ها و بیاض‌ها به اثر دیگری از وی در این زمینه دسترسی نداریم. گلچین معانی و آتشین کتابی با نام *مالک‌الملک* نیز به وی نسبت داده‌اند که در منابع دیگر دیده نمی‌شود. احتمال داده می‌شود کتاب یادشده تصحیف نام سفرنامه واضح با عنوان *سوانح المسالک و فراسخ‌الممالک* باشد (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱۵۳/۱-۱۵۵؛ *Хабибов: 106-107*؛ *بچکا, ۱۳۷۲: ۶۶*؛ آتشین، ۱۳۸۰: ۱/۳۲۸-۳۲۹؛ *Неъматзода, 1988: 1/ 328-329*).

۲-۲ درباره تذکره

حجم	استقلال	وجه ادبی	صورت	شمول	لحن	ابداع و اصالت	محل نگارش
کامل	مستقل	منثور	ساده	ناحیه‌ای - عصری	جدی	تحقیقی	بخارا

تحفه الاحباب فی تذکره‌الاصحاب یا تذکره قاری رحمت‌الله تذکره تحقیقی ناحیه‌ای - عصری منثوری است به زبان فارسی.^۸ تذکره واضح از نظر زبان در برزخ زبان مصنوع و ساده جهان‌فارسی‌زبان و لهجه فارسی بخارایی قرار دارد؛ به این معنی که گویا واضح در نوشتن تذکره آگاهانه براساس سنت زبانی حاکم بر ذهن تحصیل‌کردگان بخارای سده نوزدهم هیچ دوست نداشت به گونه‌ای بنویسد که دیگر اقالیم فارسی‌زبان جهان نتوانند با زبان وی ارتباط برقرار کنند. باین‌همه، از نشان‌دار کردن زبان خود با ویژگی‌های لهجه بخارایی به‌ویژه در لایه واژگانی به‌اندازه نمک زبانی هیچ ابایی ندارد. این زبان بعدها در آثار دوره تجددگرایان بخارا صفت مصنوع و فنی خود را به‌کلی کنار نهاد و با در پیش گرفتن زبان ساده فارسی، ویژگی‌های بیشتری از لهجه محلی را در خود بازتاب داد. این ویژگی‌ها در نهایت در ۱۹۲۴م به مرکز زبان کوچید و با تغییر نام به تاجیکی به سمت استقلال بیشتری حرکت کرد.

تذکره‌نویس در این اثر، شرح حال و نمونه اشعار صدوچهل‌وهشت تن از شاعران، عالمان و ادیبان فارسی‌زبان خان‌نشین بخارا و نواحی اطراف آن در دوره منغیت‌ها و نیز برخی از شاعران محیط ادبی خان‌نشین مینگها را در خوقند، به‌ویژه در دوره امیر عمرخان خوقندی (حک. ۱۸۱۰-۱۸۲۲م) به ترتیب رعایت حرف نخست الفبایی نام تخلص تألیف کرده است. در این تذکره علاوه بر مناطق یادشده شرح حال چهارده نفر از شاعران مناطق خلم، بلخ، میمنه، هرات و کابل افغانستان؛ شش نفر از شاعران دوره قاجار ایران (تقی تهرانی، جلال، فتحعلی‌شاه، غوغا بسطامی، فروغی بسطامی و قآنی شیرازی)؛ شش نفر از شاعران ایرانی مهاجر مرو به بخارا (جوهری مروزی، حاجی پسر بایرامعلی خان حاکم مرو، حسن ندیم بایرامعلی خان، مطیعی مروی و میرزاجهانگیر مروی، میرزاصادق مروی سمرقندی)، چهار تن از شاعران هندوستان و یک نفر با تبار بلغارها[ی قازان روسیه] را در تذکره خود آورده است. همه این افراد تباری غیر بخارایی داشته‌اند؛ برخی در بخارا متولد شده و در همین شهر نشو و نما کرده‌اند و سپس همیشه مقیم امارت بخارا شده، آنگاه در زمان واضح یا پس از وی در همان‌جا فوت کرده‌اند، برخی دیگر از بخارا به وطن خود یا کشور دیگری مهاجرت کرده‌اند (تقی، حاجی، نیاز کشمیری، نجیب هندو، شیرین،

عاصی، عزت، قاسمی) و برخی دیگر هرگز بخارا را ندیده‌اند؛ اما تذکره‌نویس یا به‌دلیل حضور و شهرت آثارشان در بخارا (قآنی، غوغا بسطامی، و فروغی بسطامی) یا بنابر سلیقه شخصی و به قول خودش براساس سنت تذکره‌نویسی پیشینیان و البته یک منطق کاملاً نادرست دیگر، به‌دلیل نداشتن شاعر در یک حرف خاص، شاعری را از منطقه دیگری به تذکره خود افزوده است. هرچه هست بخشی از زندگی شاعری غالب این افراد به محیط ادبی بخارا وابسته بوده است: «با آنکه اسامی شعرا را به ترتیب حروف هجاییه التزام داده‌ام و از شعرای این دیار در هر بحر موجود نمی‌باشد، لهذا از مشاهیر شاعران بلاد دیگر و به قدر ضرور در این رساله درج آمد» (واضح، ۱۹۷۷: ۱۵۴).

بنابر اشاره آغاز مقدمه، مخاطب انتظار دارد میراث ادبی حدود صدویست و دو سال قمری از میراث معنوی فارسی‌زبانان بخشی از ماوراءالنهر، از آغاز به قدرت رسیدن منغیت‌ها را در بخارا در سال ۱۱۶۶ق/ ۱۷۵۳م تا سال تألیف تذکره به سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م مطالعه کند: «در این مدت یکصدویست و دو سال عروس مملکت توران زمین در عقد تصرف سلاطین منغیته [در اصل: منغیته] درآمده...» (واضح، ۱۹۷۷: ۳). وی در ادامه انگیزه اصلی خود را از تصنیف تذکره، نوشته نشدن کتابی در این زمینه در این دوره بیان کرده است (همان: ۵).

بنابر نقل صریح تذکره‌نویس، سال پایان تذکره کاملاً مشخص است. وی در ذیل شرح حال ذوقی ختلانی نوشته است: «الحال تاریخ یک‌هزار و دویست و هشتاد و هشت است، در قید حیات می‌باشد» (۱۹۷۷: ۸۰). درباره سال شروع تذکره هیچ قرینه‌ای در متن دیده نمی‌شود؛ اگر نقل عبدی را قابل استناد بدانیم که البته بسیار مورد تشکیک است و شواهد متن آن را به هیچ وجه تأیید نمی‌کند، باید سال آغاز تألیف تذکره را با ۱۲۸۰ق برابر بدانیم: «شنیدم در آن تذکره هشت سال رنج کشیده بوده است» (۱۹۸۳: ۲۶۹). گویا نعمت‌زاده نیز این تاریخ را پذیرفته است (69: 1967).

تذکره از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه، متن و خاتمه. بخش مقدمه و خاتمه بسیار موجز و فشرده است. تذکره‌نویس در بخش مقدمه (۱-۸) با نثری مصنوع و آهنگین آمیخته به شعر پس از حمد و ستایش خداوند به ستایش پیامبر اسلام (ص) پرداخته، یکر است به سراغ انگیزه خود از تألیف تذکره رفته است (صص ۲-۳). در ادامه سید امیر مظفر بهادر سلطان (حک. ۱۸۶۰-۱۸۸۵م)، امیر وقت بخارا را مدح گفته (صص ۳-۵) و اندکی از احوال نامساعد خود و اختیار کنج عزلت برای خواننده گوشزد کرده است (صص ۵-۶). در ادامه یک‌بار دیگر به توصیف ایام «بهجت‌انجام و هنگام فرحت‌انتظام» پادشاه وقت بازگشته و با اشاره به محدوده زمانی شروع تذکره و شیوه تدوین آن، مقدمه را به پایان رسانده است (صص ۷-۸). متن تذکره از ۲۸ باب براساس الفبای فارسی و عربی تشکیل شده و شاعر در هر باب شرح حال شاعران را براساس حرف نخست تخلص آنان - ترتیب حروف دوم به بعد در آنها رعایت نشده - گنجانده است. خاتمه تذکره همانند آغاز آن، عنوان جداگانه‌ای ندارد و تنها در یک صفحه با یادای از امیر مظفر منغیتی به پایان رسیده است (صص ۲۱۳-۲۱۴).

شهرت شاعر پس از تألیف تذکره بیش از پیش افزوده شد و آوازه تذکره نیز به‌رغم آنکه شماری از شاعران محیط ادبی بخارا را در خود جای نداده بود، به‌سرعت در میان ادیبان منطقه بالا گرفت. از این نظر واضح را باید احیاکننده سنت تذکره‌نویسی فارسی در بخارا در سده سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی پس از محمدبدیع ملیح سمرقندی دانست که در سال‌های آغازین سده یازدهم هجری/ پایانی سده هفدهم میلادی تذکره مذکورالاصحاب را تألیف کرده بود (میزایف، ۱۳۴۵: ۵۵۸، 121/ 2، عبداللاев، 1967: 80-81؛ Ходизода, 1968: 21). تمام تذکره‌های ادبی و تاریخ ادبیات‌های تألیف‌شده در منطقه به زبان فارسی و ازبکی در سده بیستم به‌طور مستقیم مدیون اطلاعات این تذکره هستند (عبداللاев, 2/ 121؛ Ходизода, 1968: 21-22؛ Искокуф, Ё. Ва бош. 1978: 4/ 18-20). به‌گونه‌ای که می‌توان همه آنها را به نوعی ادامه یا تکمیل‌کننده اثر واضح دانست: «تمام تذکره‌های بعد نوشته‌شده را دوام و تکمله واضح گفتن هم ممکن است» (Ходизода, 1968: 32). گلچین معانی در بخش معرفی این تذکره عیناً نوشته‌های عینی را در کتاب خود آورده و اشتباهات دیگری نیز علاوه بر شمار شاعران، یعنی ۱۳۰ شاعر، به آن افزوده است. بدین معنی که محل چاپ سنگی

تذکره را که به اشتباه در مقاله شاه عبدالله بدخشی (مجله کابل، س ۹، ش ۱۱) آمده، یعنی بخارا تکرار کرده، هرچند خود در ادامه محل چاپ آن را در تاشکند دانسته است، تعداد ارجاعات عینی به تذکره را ۴۳ مورد و محتوای آن را تذکره شاعران فارسی‌زبان بخارا و افغانستان «از قرن هشتم هجری تا زمان تألیف» به حساب آورده است (۱۳۶۳: ۱۵۳/۱-۱۵۴). این در حالی است که فقط در این تذکره شرح حال و نمونه اشعار چهارده نفر از شهرهای بلخ، خلم، میمنه، هرات و کابل که در بخارا متوطن بوده‌اند یا برای مدت کوتاهی به بخارا آمده و سپس به وطن خود بازگشته‌اند، در سده دوازدهم و سیزدهم هجری دیده می‌شود. منابع تذکره واضح را می‌توان در سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱-۲-۱ تذکره منظوم مجموعه الشعرای فضلی نمنگانی

واضح ذیل زندگی فضلی نمنگانی (ص ۱۳۷) به نام این تذکره اشاره کرده است. با بررسی مآخذ تذکره مشخص شد واضح شرح حال بسیار کوتاه و نمونه اشعار پانزده تن از شاعران دوره امیر عمرخان خوقندی را در کتاب خود ذکر کرده است. نمونه اشعار ثبت شده در تذکره واضح در برخی موارد با تذکره فضلی کاملاً مطابقت دارد؛ بنابراین می‌توان حکم کرد واضح از این منبع استفاده کرده باشد (فضلی نمنگانی، کثرت خوقندی، گلخنی خوقندی). در برخی موارد تذکره واضح با فضلی اشعار مشترک دارد؛ اما وی از منبع یا منابع دیگری نیز برای ثبت نمونه‌ها بهره برده است (ادا سمرقندی، امیر عمرخان خوقندی، حاذق هراتی، ذاکر نمنگانی، رمزی خوقندی، ناله خوقندی). در هر صورت باید تذکره فضلی را یکی از منابع اصلی واضح در تذکره خود به شمار آورد.

۱-۲-۲ دیوان‌ها و دیگر آثار شاعران

شاعر گذشته از اشاره به برخی از آثار صاحبان تراجم تذکره، ذیل زندگی نزدیک به هفده تن از شاعران به دیوان آنها اشاره کرده است؛ بنابراین - البته با احتیاط - می‌توانیم این آثار را از منابع وی در تألیف تذکره‌اش به‌شمار آوریم: ادا سمرقندی، افغان بخارایی؛ عمرخان خوقندی، فتحعلی شاه قاجار، محمدعلی خان خوقندی، رشید بخارایی، قآنی شیرازی، فروغی بسطامی، شیون بخارایی، شوقی کته‌قورغانی، غوغا بسطامی، خائف اوراتپه‌ای، جوهری مروزی، میرزاصادق بخارایی، ظهوری کابلی/هراتی، عارف بخارایی، گلخنی خوقندی.

وی در شرح حال قآنی شیرازی به نحوه به دست آوردن کتاب پریشان وی اشاره کرده و در نهایت برخلاف رسم معمول تذکره‌نویسان، پنج حکایت منثور هزل‌آمیز از این کتاب را (صص ۱۱۴-۱۴۷) در تذکره خود ثبت کرده است: «کتابی دیگر موسوم به پریشان... کتاب مذکور در واقعه فترت قاجاریه از دست تراکمه در بخارا افتاد و محرر اوراق به شرف مطالعه آن کتاب مشرف شده» (ص ۱۴۵).

۱-۲-۳ منابع شفاهی

واضح بسیاری از شرح حال‌ها و نمونه اشعار شاعران را از افراد معتمد یا شخص صاحب ترجمه دریافت و در اثر خود ثبت کرده، به همین دلیل ارزش تذکره از این منظر بسیار مهم است. وی در شرح حال استادان، معاصران، هم‌درسان، دوستان و شماری دیگر از شاعران تذکره به دریافت اشعار از آنها اشاره کرده است: «راقم را با او مجالست و مصاحبت اتفاق افتاد» (ص ۱۷۹، ناطق، ملاعبدالمجیدخان هراتی)؛ «باری به رسم طبابت به وساطت بعضی از احبا به بالینش رفتم و احوال پرسیدم» (ص ۴۳، تقی تهرانی)؛ «شخصی این قطعه را به او نسبت داده» (۱۲۵، عبدی سمرقندی)؛ «در بعضی از حمام‌ها با راقم نامه اتفاق ملاقات افتاد... جز این یک بیت محفوظ نبود» (۱۶۸، مضطرب بخارایی).

۱-۳-۱ تحلیل و طبقه‌بندی معیارهای تذکره‌نویسی واضح

واضح ذیل شرح حال و نمونه اشعار شاعران تذکره خود در بهترین و کامل‌ترین حالت که می‌توان آن را الگویی برای سنجش دیگر شرح‌حال‌ها قرار داد، نه معیار ذهنی را در نظر گرفته، شاعر برگزیده را به همراه شعر وی معرفی کرده است. این الگو را کم‌وبیش پیروان تذکره‌نویس وی در بخارا تعقیب کردند و گسترش یافت:

۱-۳-۱ تخلص، دريچه ورود تذکره‌نویس به دنیای شاعر

تبویب تذکره براساس حروف الفبای فارسی و عربی است؛ بنابراین وی در این بخش کار خود را با تخلص آغاز و سپس نام شاعر و احتمالاً نام پدر وی را در بستری از عبارات و ترکیبات فارسی و عربی مسجع و تا حد امکان متناسب با آوای حروف تخلص و شخصیت اجتماعی شاعر، بدون افراط در این کار، به مخاطب معرفی کرده است. پیشنهاد تخلص به دیگران و علت انتخاب تخلص از سوی شاعران را نیز می‌توان در این بخش دید. بهار (ص ۳۴)، حسرت (ص ۵۴)، حاذق (ص ۵۶)، خامل (صص ۶۲-۶۳)، رندی (ص ۸۶)، شوقی (ص ۱۰۱)، صهبا (ص ۱۱۰)، عنبر (ص ۱۱۸)، فرتوت (صص ۱۳۹-۱۴۰)، گلخنی (ص ۱۵۳)، مجنون (ص ۱۶۱) و هاران (ص ۲۰۷) از همین نوع دغدغه‌های تذکره‌نویس حکایت دارد:

- سروی... در نظم اشعار بسیار صاحب‌اقتدار، از آنجا شواهد افکار بلندش هریک بر لب جویبار فصاحت و بلاغت تازه‌سروی است درکمال رعنائی و موزونی، خود را به سروی تخلص ساخته» (صص ۹۶-۹۷).

- «فروغی گوهر فصاحت‌پرتو اختر بلاغت، شانه‌زن پرچین افکار، نورافکن تار شعاع انظار، میرزاعباس بسطامی است» (ص ۱۳۲).

تذکره‌نویس درباره شاعران گمنام و کسانی که اطلاعات کاملی از آنها ندارد، به تخلص و انتساب آنها به شهر محل زادگاه یا محل تحصیلشان اکتفا می‌کند:

- «مسیحا ولد قاضی منتهای بایسونی است. به اسم خودش تخلص نموده» (ص ۱۶۶).

۲-۳-۱ وابستگی‌های نژادی و نسبی

تذکره‌نویس در این بخش تا آنجا که مقدور باشد وابستگی نژادی و نسبی شاعر را ذکر می‌کند؛ گویا روحیه طبقات‌نویسی و انساب در ذهن وی جای‌گیر و مردمان روزگار نیز از این وابستگی‌ها فارغ نشده، آن را برای خود ارزش‌به‌شمار می‌آورده‌اند. در این میان گویا انتساب دوسویه از سوی پدر و مادر شرافت بیشتری برای فرد ایجاد می‌کرده است. هرچه هست واضح به این موضوع بسیار حساس است و تلاش کرده است مخاطب را از این جهت بی‌نصیب نگذارد، به‌ویژه وقتی انتساب شاعران به یکی از پادشاهان، اولیای دین، طریقت‌های عرفانی و هر نوع پیوند دیگری در میان باشد که بتواند برای صاحب ترجمه تشخیص ایجاد کند. مخاطب می‌تواند با دسته‌بندی شاعران تذکره با طبقات امیران و حاکمان، عالمان دینی، فقها، مفتیان، طریقت‌های عرفانی، حافظان کلام‌الله مجید، سادات، مدرسان و مکتبدارها، طلاب مدارس، قاضی‌ها، سپاهیان، کارگزاران دولتی (سفیر، مفتی لشکر، کتابدار، منشی، محرر فتوی، دفتردار، میرآخور، عسس، میرشب)، پزشکان، اهالی علوم غریبه، حاکمان، دبیران، هنرمندان (خواننده‌ها، موسیقی‌دانان، نقاشان، طراحان، خوش‌نویسان، تذهیب‌کاران) و پیشه‌وران (سنگ‌تراش، عطار، زرگر، طنپورساز، خاتم‌بند، حمامی، مهرکن، سوداگر، چای‌فروش) که در کنار حرفه اصلی به شاعری نیز مشغول بوده‌اند، آشنا شود:

- «از متولی زادگان سرمزار مهبط‌الانوار حضرت مظهرالعجایب و الغرایب، اسدالله الغالب، علی بن ابی طالب (رضی الله عنه) و نسبت اولادی نیز به آن جناب می‌رساند» (عزت بلخی، ۱۲۱).

- «سلسله نسبش از یک طرف به جناب امام همام علی بن موسی الرضا (علیه الف التحیه و الثنا) می‌رسد و از یک جانب به مولوی فیضی علوی» (نوا سمرقندی، ۱۷۸).

۳-۳-۱ وابستگی‌های فکری و ادبی

تذکره‌نویس در سراسر تذکره با نگاه جریان‌شناسانه تلاش کرده است گروه‌ها و طرفداران سلاطین همسان فکری و ادبی را در تذکره خود ثبت کند. مخاطب در تذکره با شاعران درباری، طرفداران طریقت‌های عرفانی نقشبندی، کبرویه، قادریه از منظر وابستگی‌های فکری؛ و با شاعران طرفدار خیام، مولوی، بیدل، جامی و صائب در زبان فارسی و نوایی و فضولی در زبان ترکی

ازبکی آشنا می‌شود. مواد تدوین شده در این تذکره علاوه بر پژوهشگران ادبیات، سخت برای جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران و دیگر حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی مفید است. در ادامه با برخی از این گروه‌ها آشنا می‌شویم:

- **شاعران درباری:** ادا سمرقندی، افغان، امیر عمرخان، اکمل، بقا، بهجت، جرث حاذق، حسرت، خاطف، عزلت، عنبر، و...؛
شاعران طرفدار طریقت‌های عرفانی: ادا سمرقندی (نقشبندی)، انب (نقشبندی)، ایشان (نقشبندی)، افقر (قادریه)، سیرت (نقشبندی)، ظهوری کابلی / هراتی (کبرویه و از مخالفان سرسخت نقشبندی‌ها)، نیاز هندوستانی (قادریه) یکدل (نقشبندی)؛
حافظان قرآن: املح، پارسا، سروی، شریفی، ضریر، طاهر، فایق، ماهر، نائر و واضح؛ **شاعران مردمی:** پری، شکوری، واله؛
شاعران طرفدار بیدل: افغان، افقر، املح، حامل، خجالت، رحیمی سمرقندی، سودا، ضریر، مطلب؛ **شاعران طرفدار نوایی و فضولی:** حامل، رحیمی، خان (فضولی)؛ **شاعران طرفدار خیام و مولوی:** فاضل (خیام)، مجنون (مولوی).

۱-۳-۴ زادگاه، تاریخ تولد و فوت

اشاره به زادگاه در تذکره‌ها سنتی دیرینه است. جغرافیای تولد و نشو و نما برای تذکره‌نویسان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که تذکره‌های نخستین در زبان عربی و بعدتر به فارسی براساس مکان تنظیم می‌شده‌اند. در این تذکره نیز بلافاصله پس از تخلص و نام شاعر، انتساب وی به زادگاه آبا و اجدادی شاعر مشخص می‌شود. تذکره‌نویس در این زمینه به قدری حساس است که مثلاً اهالی بخارا را با نواحی اطراف آن یکجا نمی‌آورد یا اگر اجداد کسی به جایی خارج از بخارا منتسب باشند، خود را مقید می‌داند به آن اشاره کند. تقریباً زادگاه نزدیک به صد درصد شاعران تذکره مشخص است و ما می‌توانیم نقشه ادبی تذکره را براین اساس ترسیم کنیم. تاریخ تولد در این تذکره همانند دیگر تذکره‌ها کاملاً مسکوت رها شده و تذکره‌نویس حتی یک مورد هم به آن اشاره نکرده است؛ حتی در مورد زندگی خودش. گویا این موضوع در دوران کلاسیک تذکره‌نویسی کسر شأن به حساب می‌آمده است؛ اما ذکر تاریخ فوت صاحبان تراجم در این تذکره تا حد مقدور ذکر شده است (۲۷ نفر، ۱۸/۲۴٪) و در دو مورد با توجه به شمار سال‌های زندگی شاعر مورد نظر، می‌توان تولد وی را نیز استخراج کرد (میرک بخارایی، ف ۱۲۱۵ق در ۱۰۵ سالگی، صص ۱۶۴-۱۶۶؛ هاتف اوراتپه‌ای، ف ۱۲۶۹ق در ۱۰۵ سالگی، صص ۲۱۰-۲۱۲). در مجموع ۷۱ تن (۴۷/۹۷٪) از شاعران تذکره در زمان تألیف زنده، ۳۶ تن (۲۴/۳۲٪) از شاعران در زمان تألیف تذکره فوت کرده‌اند؛ اما تاریخ فوت آنها در تذکره مشخص نیست و درباره زنده یا مرده بودن ۱۴ تن (۹/۴۵٪) از شاعران تذکره در زمان تألیف اطلاعی از تذکره نمی‌توان به دست آورد.

۱-۳-۵ شغل، تحصیلات، استادان، شاگردان و معاصران

تذکره‌نویس وقتی در شرح حال شاعران به طبقه آنها اشاره می‌کند، در بیشتر موارد بلافاصله شغل و طبقه اجتماعی آنها را نیز روشن می‌کند. مخاطب در این زمینه تقریباً با زندگی شغلی تمام شاعران آشنا می‌شود. بخارا از زمان سامانیان یکی از مراکز بزرگ علم‌آموزی در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر بود. از همان زمان ده‌ها مدرسه و مسجد، و طیفه آموزش طلاب را به عهده داشتند. در این دوره نیز تحصیل در مکاتب و مدارس بخارا برای مردم تشخص ایجاد می‌کرد. اصطلاح «ختم کتب»، «ختم علوم رسمی» و موارد مشابه برای کسانی به کار می‌رفت که موفق می‌شدند برنامه آموزشی مدارس را نزد استادان آن به اتمام برسانند. گویا واضح در ذیل شرح حال‌ها به این موضوع دین خاصی دارد و تلاش می‌کند آن را در هر حال به مخاطب ادا کند. اینجاست که ما با شاعران جوانی آشنا می‌شویم که در حال تحصیل هستند. ذکر نام استادان، شاگردان و معاصران نیز در همین شبکه آشکار می‌شود:

- «از تحصیل علوم متداول فراغت یافت. الحال به تدریسی مدرسه زرگران منصوب به افاده طلبه علم مشغول، از شریک‌درسان راقم نامه است» (بهار بخارایی، ۳۳-۳۴).

- «چندی به حسب قسمت و تقدیر در سلک دعاگویان و ملازمان حضرت ظل‌اللهی در ولایت کریمینه مسکن داشت... با راقم مراقم از راه تودذد و رأفت لاف پدری و فرزندگی می‌زد» (خامل شهرسبزی، ۶۳).

۱-۳-۶ آثار شاعران

تذکره‌نویس از میان ۱۴۸ شاعر مندرج در تذکره، ذیل شرح حال نزدیک به ۲۱ تن از آنان به دیوان‌های شعر، مثنوی‌های مستقل، آثار منثور، مثنوی‌هایی در شرح آثار علمی، کتاب‌های تاریخی، و تذکره‌های نوشته‌شده از سوی ایشان اشاره کرده است: ادا سمرقندی (ص ۹)، دارای دیوان شعر و قصاید غراً؛ افغان بخارایی (ص ۱۹)، صاحب دیوان؛ اعرج بخارایی (ص ۲۳)، مؤلف مثنوی منظوم در شرح رسالهٔ فقه کیدانی (ف ۷۵۰ق)؛ امیر عمرخان خوقندی، دارای دیوان فارسی و ترکی (ص ۲۵)؛ افقر بخارایی (ص ۲۸)، مؤلف مثنوی مسمی به خمسۀ عشر (حکایات و روایات ۱۵ بیتی)؛ بی‌باک بخارایی (ص ۳۵)، مؤلف سنبلستان در تتبع بهار دانش اثر عنایت‌الله کنبوه لاهوری (درگذشته ۱۰۲۸ یا ۱۰۸۱ق)؛ جوهری مروزی، مؤلف کتاب طوفان‌البکاء و دیوان شعر (ص ۵۱)؛ خائف اوراتپه‌ای دارای دیوان شعر (ص ۶۶)؛ فتحعلی‌شاه قاجار، سرایندهٔ دیوان شعر به فارسی و ترکی (ص ۷۰)؛ محمدعلی‌خان خوقندی، دارای دیوان شعر (ص ۷۱)؛ شوقی کته‌قورغانی، دارای مثنوی شرح منظوم مختصر وقایح (ص ۱۰۱)؛ میرزا صادق منشی، دارای دیوان شعر (ص ۱۰۸)؛ ظهوری کابلی [هراتی] دارای دیوان شعر (ص ۱۱۴)؛ عارف بخارایی، صاحب تاج‌التواریخ (در شرح حال برخی از امیران منغیت بخارا) (ص ۱۱۵)؛ غوغا بسطامی، دارای دیوان شعر (ص ۱۲۶)؛ فایق بخارایی، صاحب مثنوی در بحر خفیف مشتمل بر معارف و نصایح و موعظه (ص ۱۲۸)؛ فروغی بسطامی، دارای دیوان (ص ۱۳۳)؛ فضلی نمگانی، سرایندهٔ تذکرهٔ الشعراء منظوم (ص ۱۳۷)؛ قآنی صاحب پریشان و دیوان شعر (ص ۱۳۸)؛ جهانگیربیک مجنون بخاری دارای دیوان و مثنوی ناتمام در تتبع مثنوی مولوی (ص ۱۲)؛ مسیحا بایسونی، سرایندهٔ مثنوی رعنا و زیبا (ص ۱۷۶)؛ نوا سمرقندی مؤلف تذکره در ذکر مشایخ و اکابر سمرقند در تتبع قندیه (ص ۱۷۸).

۱-۳-۷ پیوند با دربار

واضح هرچند از دربار دل خوشی ندارد و در قصیده‌ای که با نام «تعدادالفضایل» در پایان عمر سروده، امیر و ملازمانش را «یار جاهلان» خطاب کرده است (خدایار، ۱۳۸۴الف: ۱۹-۲۳)،^۹ در مناسبت‌های مختلف تلاش کرد پیوند شاعران تذکره را با دربار و حاکمان وابسته به آن مشخص کند. حتی تذکرهٔ خودش را هم در مقدمه و هم در خاتمه به امیر مظفر بخشیده و با القابی مطمئن و پرطمطراق این «پادشاه رعیت پرور عدل‌گستر سلیمان‌حشمت» را ستوده است (صص ۳-۴؛ ۲۱۴). وی در مطاوی شرح حال‌ها هم همین‌گونه رفتار کرده است. واضح ذیل شرح حال فتحعلی‌شاه قاجار (حک. ۱۲۱۲-۱۲۵۰ق/۱۷۹۷-۱۸۳۴م) چنان با حسرت از دربار او و شاعرنوازی‌هایش سخن ساز می‌کند که مخاطب ناخودآگاه از یک‌سو به نابه‌سامانی‌های دربار امیر مظفر پی‌می‌برد و از سوی دیگر با میل باطنی تذکره‌نویس به حمایت از درباری که از آن جدا افتاده است، آشنا می‌شود: «خاقان مذکور... علی‌الخصوص طایفهٔ شعرا را بسیار دوست می‌داشته، در مقابل اندک شعری، صلوات و افره و انعامات متکثره می‌نموده و می‌گفته این جماعت را بر ما منت و حقوق عظیم است» (ص ۶۹). در هر صورت جهان‌بینی شاعر نمی‌توانسته زودتر از زمان پرواز کند و دنیایی خارج از شاه و سلطان برای خود و جامعه‌ای که در آن می‌زیسته است، تصور کند. وی باور داشته است آن‌گونه که سلطان محمود غزنوی قدر فردوسی را ندانست، پادشاه زمان نیز قدر وی را ندانسته است و لابد باید می‌دانست: «گذشت شوکت محمود و در زمانه نماند/ جز این فسانه که نشناخت قدر فردوسی» (ص ۷۰).

۱-۳-۸ بوطیقای ذوق تذکره‌نویس؛ نوع انتخاب‌ها، علایق شاعران و تذکره‌نویس

تذکرهٔ واضح تذکره‌ای است غیردرباری که مؤلف آن را براساس خواست شخصی خود تألیف کرده است، از این منظر نوع انتخاب شعرها، تنظیم شرح‌حال‌ها و حتی ارزیابی‌های شاعران به‌طور مستقیم با علاقهٔ شخصی تذکره‌نویس، دانش ادبی و تاریخی و جهان‌بینی وی در ارتباط است. از منظر جهان‌بینی و تمایلات مذهبی، تذکره را باید تحت تأثیر مستقیم مذهب تشیع دانست، هرچند هیچ‌گونه سوگیری نادرست در برابر ادیان و مذاهب دیگر در آن دیده نمی‌شود. از تذکره‌نویس دربارهٔ شعر و ماهیت آن هیچ اظهارنظر صریحی نه در مقدمه و نه متن دیده نمی‌شود؛ اما مشخص است شاعری از دیدگاه وی از عالمی دون‌پایه‌تر است. وی در دو مورد از تذکرهٔ خود، آنجا که شرح حال علمای بخارا را ثبت کرده، به این موضوع عطف توجه

نشان داده است: «هرچند مرتبه آن بزرگوار از آن رفیع‌تر و وسیع و منبع‌تر است که در ذیل شعرا ایراد یابد» (ص ۹۹، و نیز ص ۱۰۳). در این تذکره به ترتیب اهمیت، قالب غزل در کانون توجه شاعر قرار دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان در آن میراث ادب غنایی سده سیزدهم ماوراءالنهر را به‌خوبی بررسی کرد. قصیده، رباعی، قطعه‌تاریخ، فرد، مثنوی در رتبه بعدی قرار دارند. واضح در تذکره خود حتی یک مخمس هم نیاورده، گویا شاعر این تغنن را در ردیف شعر به‌شمار نمی‌آورده است. تقلید در این قالب شعری اوج بی‌خلاقیتی شاعران را نشان می‌دهد. باین‌همه شمار غزل‌های تقلیدی به سبک بیدل در این تذکره کم نیست. از نظر موضوع نیز تذکره‌نویس به تسلط شاعران و علاقت برخی از آنها به معمانویسی و ماده‌تاریخیابی اشاره‌های فراوانی دارد و مشخص است که ذوق جامعه تا چه حد به این مسائل حساس است. نکته دیگری که در انتخاب شعرها می‌توان به آن اشاره کرد، حضور شش شاعر ایرانی دوره بازگشت در این تذکره است. غزل‌های عاشقانه - عارفانه و زبان ساده بازگشتی این شاعران حال‌وهوای کاملاً متفاوتی با شعرهای عارفانه محزون با زبان پیچیده بیدلی به تذکره بخشیده است. زبان ساده این جریان شعری در آغاز سده چهاردهم هجری/ بیستم میلادی در میراث اجتماعی و ملی‌گرایانه تجددخواهان نمود یافت و به مرکز فعالیت‌های ادبی فارسی‌زبانان منطقه تبدیل شد. مبارزه احمد دانش، واضح و سودا و بعدتر صدر ضیا با گروه بیدل‌گرایان را نباید بی‌تأثیر از زبان ساده دوره بازگشت در ایران و تأثیر مستقیم آن در زبان شعر و نثر فارسی‌زبانان ماوراءالنهر در پایان سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم میلادی دانست و مطالعه کرد. جالب است بدانیم پس از تذکره‌نویس که تنها در بخش شرح حال ۱۶۸ بیت از میراث ادبی خود را در مقام نمونه شعر برگزیده ثبت کرده (واضح، ۱۹۷۷: ۱۹۳-۲۰۶)، فروغی بسطامی (ف ۱۲۷۴ق) دومین شاعری است که ۶۶ بیت شعر عاشقانه - عارفانه از وی ثبت شده است (همان: ۱۳۲-۱۳۷).

۱-۳-۹ زبان

واضح در تذکره خود بنا را بر زبان فارسی گذاشته و در دو مورد به تأکید نوشته است که در این تذکره فقط با شعر فارسی سروکار دارد و بس: «هرچند در این تذکره التزام ایراد اشعار ترکی ننموده، بنابر قلت و غرابت یک غزل نوشته شد» (ص ۷۱، ذیل شرح حال محمدعلی‌خان، امیر خوقند)؛ «اکثر اشعار او به زبان ترکی واقع شده، چون در این کتاب التزام ترکی نوشتن نشده بود، بنابر آن به همین قدر اقتصار یافت» (ص ۱۲۳، ذیل شرح حال عزیزی). باین‌همه در تذکره چند بار از شعر عربی و یک‌بار هم از شعر ترکی از یکی نمونه آورده است.^{۱۰} موضوع زبان در این تذکره هیچ ارتباطی به هویت قومی و نژادی شاعران ندارد و تنها بر تفاوت و تمایز آنها تکیه کرده است. تذکره‌نویس ذیل شرح حال و نمونه اشعار بیش از ۲۷ شاعر از واژه‌های فارسی (۲۱ بار)، ترکی (۱۸ بار)، عربی (۷ بار)، افغانی (بار)، هندی (۱ بار)، روسی (۱ بار) و فرنگی (۱ بار) برای بیان زبان شعر یا تسلط آنها به زبانی خاص استفاده کرده است (صص ۹، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۴۱، ۵۱، ۶۰، ۶۴، ۷۱، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۴-۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷). در تمام موارد یادشده زبان هیچ ارتباطی با قومیت شاعر ندارد. تذکره‌نویس تنها ذیل شرح حال فروغی بسطامی برای نشان دادن قومیت از واژه «ترک و تاجیک» استفاده کرده است: «که به حلاوت سخن، مقبول دور و نزدیک و مسلم ترک و تاجیک» (ص ۱۳۲). همان‌گونه که دیده می‌شود در عبارت مورد استفاده واضح، تاجیک در این عبارت برای نشان دادن اقوام فارسی‌زبان در برابر اقوام ترکی‌زبان به کار رفته است و ارتباطی به زبان آنها ندارد.

نتیجه

در پاسخ به مسئله پژوهش و پرسش‌های آن مبنی بر «کیستی واضح، اهمیت تذکره وی و تأثیر آن بر احیا و گسترش ژانر تذکره‌نویسی بعد از خود»، باید گفت قاری رحمت‌الله بخارایی از ایرانی‌تباران بخاراست که در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م با تألیف تذکره تحفه‌الاحباب فی تذکره‌الاصحاب ژانر تذکره‌نویسی ادبی فارسی را پس از یک دوره فترت طولانی ۱۷۹ ساله در محیط ادبی بخارا احیا کرد و علاوه بر ثبت شرح حال و نمونه اشعار ۱۴۸ تن از شاعران ماوراءالنهر در سده دوازدهم و سیزدهم هجری، با گزینش و انتخاب شاعرانی از محیط‌های ادبی ایران، افغانستان و هندوستان عملاً جریان ادبی حاکم بر این کشورها،

به‌ویژه ایران را در دوره بازگشت ادبی به بخارا منتقل کرد و در مسیر گریز از تقلید بی‌چون‌وچرای سبک مصنوع و پیچیده بیدلی، مددکار نوگرایان در استفاده از سبک و زبان ساده شد و خود نیز تلاش کرد در مسیر ساده‌نوسی گام بردارد. معیارهای تذکره‌نویسی وی در آغاز سده چهاردهم هجری از سوی تذکره‌نویسان محیط ادبی بخارا در مقام الگو پذیرفته شد و آنها عملاً پیرو وی در نگارش تذکره‌های فارسی شدند. پژوهشگر رد پای تذکره واضح را در تمام تذکره‌های تألیف‌شده در محیط ادبی بخارا در پایان سده سیزدهم و آغاز سده چهاردهم هجری آشکارا می‌تواند ببیند. دستاوردهای این پژوهش در ارتقا، اصلاح و رفع نواقص اسناد مکتوب در آسیای مرکزی و به‌ویژه ایران درباره واضح بسیار مفید است.

پی نوشت ها

۱. فضل‌ی نمگانی و فهمی سمرقندی در دوره فترت دو تذکره تألیف کرده‌اند که *مجموعه الشعرای فضل‌ی نمگانی* (تألیف‌شده در ۱۲۳۷ق/۱۸۲۱م)، تذکره منظوم دوزبانه فارسی و ترکی (ازبکی) است و به محیط ادبی خوقند اختصاص دارد و شاعران دیگر مناطق ماوراءالنهر و خوارزم به‌ندرت در این اثر مجال بروز یافته‌اند (2/ 120) (Абдуллаев)، و تذکره فهمی (تألیف‌شده در ۱۲۸۶ق/۱۸۶۸ یا ۱۸۶۹م) نیز ناقص است و در آن تنها شرح حال و گاه نمونه اشعار ۲۶ تن از شاعران (۸ تن)، عالمان و عارفان (۱۴ تن)، و پادشاهان (۳ تن) و یک تن از امیران جغرافیای امروز ایران، افغانستان، هندوستان و ماوراءالنهر دیده می‌شود.

۲. در سال هجری تولد و فوت تذکره‌نویس (۱۲۳۳-۱۳۱۱ق) هیچ اختلافی در منابع دیده نمی‌شود. ما در تبدیل سال میلادی فوت شاعر به سال‌های ۱۸۹۳، ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵ نیز برمی‌خوریم. درباره نام پدر شاعر نیز منبع ما نصح صریح تذکره است (۱۹۷۷: ۲). نعمت‌زاده (1967: 31؛ همو، 1988: 1/ 328) و آتشین (۱۳۸۰: ۱/ ۹۵۷) نیز به همین شکل ضبط کرده‌اند. مصحح تذکره این نام را به‌صورت عاشورمحمد (همان، مقدمه مصحح، الف) ضبط کرده است. این نام در برخی از منابع به صورت‌های عاشورمحمد (38) Семёнов، 1925؛ Story، 1953: 915-916؛ Ходизода: 1968: 185؛ نقوی، ۱۳۴۷: ۷۲۸؛ زهیر، ۱۳۵۲: ۸۴؛ فتوحی، ۱۳۸۷: ۳۲۸)، عاشور (خیام‌پور، ۱۳۶۸: ۲/ ۹۶۹) و عشور (وفایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۸۸) نیز ثبت شده است. خیام‌پور تنها منبعی است که نام وی را «محمد رحمت‌الله» ثبت کرده و همانند درج نام پدر نادرست است.

3. A. A. Семёнов (1925). *Каталог рукописей исторического отделения Бухарской Центральной Библиотеки [Katalog rukopisei istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsentral'noi Bibliotheca]*. Tashkent.

4. P. Ходизода (1956). *Источники к изучению таджикской литературы второй половины XIX века*. Под ред. И. С. Бругинского. Изд-во АН Тадж: ССР, Сталинабод.

5. P. Ходизода (1968). *Адавиёти Тоҷик дар Нимаи Дуюми Асри XIX*. Душанбе: Дониш.

6. Т.Неъматзода (1967). *Возех*. Душанбе: Ирфон.

7. Ё. Исхоқуф (1978). *Ўзбек Адабиёти Тарихи*. IV том. Тошкент: Фан.

۸. درباره تذکره و طبقه‌بندی آن از دیدگاه‌های مختلف ر.ک: گلچین معانی (۱۳۶۳: ۱/ چهار-پنج)، مسعودی (۱۳۸۵: ۱۴/ ۷۱۶-۷۲۰)، فتوحی رودمعجنی (۱۳۸۷: ۱۹۳-۱۹۵) و شفیعیون (۱۳۹۳: ۸۵-۱۰۴) و درباره معایب و نواقص تذکره‌های ادبی و نقش آنها در شکل‌گیری دانش تاریخ ادبیات در ایران ر.ک. فتوحی (۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۸، ۲۲۷-۲۲۹، ۲۴۲) و زرقانی (۱۳۸۸: ۳۳-۴۰).

۹. در نسخه خطی مورد اشاره بیت واضح چنین است: سال‌ها شد گشته از من دور و یار جاهلان/ چشم دارم کز ترخم با منش جمع آوری» (خدایار، ۱۳۸۴الف: ۲۲). این بیت در نسخه چاپی *تذکار اشعار صدر ضیا* به این شکل آمده است: سال‌ها شد گشته از من دور یار دیگران/ چشم دارم کز ترخم با منش جمع آوری» (۱۳۸۰: ۲۳۵).

۱۰. نعمت‌زاده ترکیب اشعار مندرج در تذکره واضح را به این صورت ثبت کرده است: کل اشعار ۳۱۶۰ مصرع؛ ۴۱ مصرع عربی [۱/۲۹]؛ ۲۰ مصرع ازبکی [۱/۶۳] (1967: 80).

منابع

۱. افضل مخدوم پیرمستی (۱۳۳۶ق). *افضل‌التذکار فی ذکر الشعراء و الاشعار*، در حاشیه باغ ارم. تاشکند: بی‌نا، (چاپ سنگی).

۲. انوشه، حسن (۱۳۸۱). «تخفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب» در دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه، به‌سرپرستی حسن انوشه، ج ۱، و ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۱۵.
۳. آتشین‌جان، تبسم (۱۳۸۱). «واضح بخارایی» در دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه، به‌سرپرستی حسن انوشه، ج ۱، و ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۷۰۳-۷۰۴.
۴. باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). سلسله‌های اسلامی جدید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۵. بچکا، یرزی (۱۳۷۲). ادبیات فارسی در تاجیکستان، ترجمه محمود عبادیان و سعید عبانزاد هجران دوست، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
۶. بوشاسب‌گوشه، فیض‌الله (۱۳۸۶). «مرو در نخستین دهه‌های حکومت قاجار»، پژوهش‌نامه تاریخ، س ۳، ش ۹، ۲۱-۵۰.
۷. حشمت، محمدصدیق توره (تاریخ شروع تألیف ۱۳۱۲ق/۱۸۹۴-۱۸۹۵م و تکمیل آن در سال‌های بعد). تذکرة الشعراء، ۲ جلد، نسخه خطی شماره ۲۷۲۸ (ج یکم)، نسخه خطی شماره ۶۱ (ج دوم)، مخزن نسخ خطی ابوریحان بیرونی تاشکند ازبکستان.
۸. _____ (شروع تألیف ۱۳۲۳/۱۹۰۵م و تکمیل آن در سال‌های بعد). تذکرة الشعراء، نسخه خطی شماره ۲۷۲۹، مخزن نسخ خطی ابوریحان بیرونی تاشکند ازبکستان.
۹. خدایار، ابراهیم (۱۳۸۴الف). از سمرقند چو قند، تهران: اشاره و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. _____ (۱۳۸۴ب). غربیه‌های آشنا: شعر فارسی ماوراءالنهر با تکیه بر محیط‌های ادبی خوقند و خوارزم، تهران: تمدن ایرانی.
۱۱. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران، ج ۲، تهران: طلایه.
۱۲. دادبه، اصغر و میرزا ملا احمد (۱۳۸۵). «تذکره‌نویسی در ماوراءالنهر و افغانستان» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۷۲۲-۷۲۶.
۱۳. زهیر، عبدالرزاق (۱۳۵۲). «تذکره‌نگاری در ادب دری»، ادب [دانشگاه کابل]، ۲۱د، ش ۲، ۷۵-۸۷.
۱۴. شرعی، حاجی عبدالعظیم (۲۰۱۵م). تذکرة الشعراء، تصحیح و مقدمه مطلوبه خواجه‌اوا و الهام ایشان‌قل‌اف، خجند: خراسان - مدیا، (فارسی و تاجیکی).
۱۵. زرقانی، مهدی (۱۳۸۸). تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطوّر و دگردیسی ژانرها تا میانه سده پنجم به انضمام نظریه تاریخ ادبیات، تهران: سخن.
۱۶. شفیعیون، سعید (۱۳۹۳). «گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی». فنون ادبی، س ۶، ش ۲ (پیاپی ۱۱)، ۸۵-۱۰۴.
۱۷. صدر ضیا، محمدشرف‌جان مخدوم (۱۳۸۰). تذکار اشعار، متن علمی انتقادی با ضمیمه به اهتمام سحاب‌الدین صدیق‌اف، به کوشش محمدجان شکوری بخارایی، تهران: سروش.
۱۸. عبدی، عبدالله خواجه (۱۹۸۳م). تذکرة الشعراء، با تصحیح و مقدمه اصغر جان‌فدا، زیر نظر سحاب‌الدین صدیق‌اف، دوشنبه: دانش.
۱۹. عوفی، محمد (۱۳۹۵). لب‌الب‌الباب، به تصحیح ادوارد جی. براون، با مقدمه محمد قزوینی و تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات سعید نفیسی، ج ۲، تهران: هرمس.
۲۰. عینی، صدرالدین (۱۹۲۳). تاریخ امیران مانغیتیة بخارا، تاشکند: نشریات دولتی ترکستان.
۲۱. _____ (۱۹۲۶م). نمونه ادبیات تاجیک، مسکو: نشریات مرکزی خلق جماهیر شوروی سوسیالیستی.
۲۲. فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۷). نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری در ایران، تهران: سخن.
۲۳. فضلی‌نمنگانی، عبدالکریم (۱۹۰۲م). مجموعه الشعراء، به سعی و اهتمام ملارحیم بردی قاری، تاشکند: ایلین، (چاپ سنگی).

۲۴. کوتی، سپیده (۱۳۸۰). «تذکره نویسی فارسی در آسیای میانه» در *دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه*، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۲۸۶-۲۹۲.
۲۵. گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره های فارسی*، ج ۱، چ ۲، تهران: کتابخانه سنایی.
۲۶. محترم، حاجی نعمت الله (۱۹۷۵م). *تذکره الشعراء*، با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا، زیر نظر اصغر کمال عینی، دوشنبه: دانش.
۲۷. مسعودی، عبدالله (۱۳۸۵). «تذکره نویسی» در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۷۱۶-۷۱۹.
۲۸. منفرد، افسانه (۱۳۸۰). «تذکره نویسی فارسی» در *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۶، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۷۷۲-۷۷۴.
۲۹. میرزایف، عبدالغنی (۱۳۴۵). «منابع ادبی در حدود دوره های شانزده و اوایل بیست و اهمیت آن»، مهر، سال ۱۲، شماره ۸، ص ۵۵۵-۵۶۱.
۳۰. نقوی، علیرضا (۱۳۴۷). *تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان*. چ ۲. تهران: علمی.
۳۱. واضح، قاری رحمت الله (۱۳۳۲ق). *تحفة الاحباب فی تذکره الاصحاب مع تاریخ کثیره و مجموعه سلیمی*. به اهتمام سلیم بیک ایناق سلیم. تاشکند: مطبعة عارف جاناف (چاپ سنگی).
۳۲. _____ (۱۹۷۷م). *تحفة الاحباب فی تذکره الاصحاب*، با مقدمه و تصحیح اصغر جانفدا، زیر نظر عبدالغنی میرزایف. دوشنبه: دانش.
۳۳. _____ (۱۹۹۸م). *سوانح المسالک و فراسخ الممالک، متن انتقادی با تصحیح و مقدمه اصغر جانفدا*، دوشنبه: دانش.
۳۴. وفایی، عباسعلی [به سرپرستی] (۱۳۸۵). *دانشنامه زبان و ادبیات فارسی ازبکستان (قرن بیستم تاکنون)*، تهران: الهدی.
35. Storey C. A. (1953). *Persian Literature - A Bio-Bibliographical Survey*. Volume 2. London: Luzac & Company. [In English]
36. Абдуллаев, Воҳид (1967). *Ўзбек адабиёти тарихи (XVII аср адабиёти XVIII аср ва XIX асрнинг биринчи ярми адабиёти)*, 2-китоб. Тошкент: Ўқитувчи, [In Uzbek].
37. Исхоқуф, Ё. Ва бош (1978). *Ўзбек Адабиёти Тарихи*, IV том. Тошкент: Фан, [In Uzbek].
38. Қайюмов, П. (1998). *Тазкираи Қайюмий*, 3ж., Тошкент: Ўзрфа Қўллезмалвр Институти Тарихий Нашриёт бўлими, [In Uzbek].
39. Неъматзода, Т. (1967). *Возех*, Душанбе: Ирфон, [In Tajik].
40. Неъматзода, Т. (1988). “Возех” дар *Энциклопедияи Адабиёт ва Санъати Тоҷик*. Ҷилди 1-ўм, Иҷроқунандаи фази фаи Сармуҳаррир Ҷ. А. Азизқулов, Душанбе: Сарредакцияи илмии *Энциклопедияи советии тоҷик*, Сс.328-329, [In Tajik].
41. Неъматзода, Т. (2004). “Тӯҳфат-ул-Аҳбоб фӣ Тазкират-ул-Асҳоб” дар *Энциклопедияи Адабиёт ва Санъати Тоҷик*. Ҷилди 3-ўм. Сармуҳаррир А. Қ. Қурбонов, Душанбе: Сарредакцияи Илмии Энциклопедияи Миллии Тоҷик, С.238, [In Tajik].
42. Семёнов, А.А. (1925). *Каталог рукописей исторического отделения Бухарской Центральной Библиотеки [Katalog rukopisei istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsentral'noi Bibliotheca]*. Tashkent. [In Russian]
43. Фазлий Намангоний, А. (2018). *Мажмуаи Шоирон*, Табдил, Гаржима, Сўзбоши, Изох, Лугат ва Кўрсаткичлар Муаллифи Маҳмум Хасаний, Тошкент: Фан, [In Uzbek].
44. Ҳабибов [Абибов], А. (1991). *Ганҷи Зарафшон*, Душанбе: Адиб, [In Tajik].
45. Ҳодизода, Р. (1968). *Адавиёти Тоҷик дар Нимаи Дуввӯми Асри XIX*, Қ.1, Душанбе: Дониш, [In Tajik].